

ملاحظی اکبر در نقش ناخدای کشتی شکسته!

حسن آبکناری

جزء انگشت شمار و بلکه دوسه نفر اصلی کاست روحانیت بود و بعد از بهشتی تنها روحانی ای بود که در همه حوزه ها در خدمت خمینی و در کنار او بود.

نقش او در جریان جنگ و تداوم آن، در قتل عام هزاران اسیر در بند در شهریور ۶۷ و پیش از آن، در شکل دادن به ساوا و نیروهای سرکوب، در سازماندهی ترورهای داخل و خارج از کشور، در تصویب قوانین و تأمین و تثبیت سیاست های زیربنایی نظام و سازماندهی اقتصاد اسلامی و غیره، و در یک کلام در خانه خرابی اکثریت مردم، در غارت منابع و اموال و امکانات کشور، نقش یگانه ایست که به زحمت می توان همپای دومی برای او پیدا کرد.

او که زمانی نقش رئیس مجلس یکه تاز، موقعی رئیس جمهوری معتدل و "سازنده" و برنامه ریز و مبتکر، هنگامی سازمانگر دولتی کردن اقتصادی و دوره ای معمار تعدیل اقتصادی و این اواخر رئیس شورای مصلحت نظام و در تمام مدت مردی در سایه با همه طرفند های ممکن را بازی می کرد، امروزه به میدان آمده تا بیش از هر چیز بخاطر منافع ویژه خود و کاست روحانیت، بحران فلج کننده سیاسی میان بالائی ها را پایان دهد. او که در موقعیتی بسیار ممتاز هم سیاست مدار اصلی نظام است و هم یکی از بزرگ ترین سرمایه داران آن، تاکنون نشان داده است که پای بند هیچ پرنسیپی نیست و می تواند به راحتی آب خوردن دروغ بگوید؛ به راحتی آب خوردن جنایت بکند و مثل گربه لب و

بقیه در صفحه ۲

کارگران و زحمت کشان

در صفحات ۳ و ۴

ایران روبرو شد که در طی زمان گسترش یافت. جداسازی از طرف دیگر بر روی ایجاد شرایط کهنتری متمرکز است. جداسازی چه نژادی باشد، چه قومی، چه علیه مهاجرین و چه علیه زنان، آن ها را که در موقعیت بدتر و تبعیض آمیز قرار دارند، مجبور می کند در محیط اجتماعی کهنتر، با امکانات محدودتر، در موقعیتی پست تر و حتی در فرهنگی رشد نیافته تر محصور و اسیر بمانند. جداسازی به این ترتیب کهنتری را بقیه در صفحه ۲

اعتراض دختران

دانشجوی علوم پزشکی

فاطمیه قم به

آپارتاید جنسی

سارا محمود

روزنامه های تهران خبر دادند بیش از ۵۰۰ نفر دختر دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم در ادامه اعتراضات خود در قم که منجر به آتش کشیده شدن تعدادی از خوابگاه های دانشگاه شد، در ۲۸ دی ماه ۷۸ به تهران آمده و در مقابل ساختمان وزارت بهداشت و درمان دست به تحصن اعتراضی زدند. سیستم مدیریت حاکم بر این دانشگاه که هدف اعتراض این دختران دانشجویست، با تلاش برای اعمال طرح انطباق مصوب مجلس اسلامی، آپارتاید جنسی را در این دانشگاه اعمال می کند. طرح انطباق که حاکمان اسلامی اعلام کرده اند هدفش "تربیت پزشک متدین متناسب با احکام شرع" است، شرایط آموزش پزشکی را تغییر می دهد تا خدمات پزشکی به بیماران زن فقط توسط پزشکان زن و به بیماران مرد فقط توسط پزشکان مرد ارائه شود.

از میان مطالبی که در جمهوری اسلامی بر زنان رفته است کاری ترین و توسعه یافته ترین ضربات، از جداسازی و آپارتاید جنسی برمی خیزد. سیاست های تبعیض آمیز و ضد زن جمهوری اسلامی را بر حسب شیوه کارکردشان می توان به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته سیاست ها و قوانین و مقرراتی که رسماً بر انکار حق برابر زن و مرد مبتنی است مانند منع قضاوت، تبعیض در شهادت، انکار حق برابر در احراز مقامات دولتی، ممانعت های تحصیلی، حجاب اجباری و از این قبیل. دسته دوم جداسازی ها که می توان بر انکار علنی حق برابر مبتنی نباشد و حتی برعکس - مثل بوتای در البرقایی جنوبی که در دفاع از آپارتاید جنسی شعار می داد: "برابر اما جدا" - مدعی حق برابر هم باشد و حتی ادعا داشته باشد که از این طریق به ارتقاء و موقعیت زنان هم کمک می کند. ادعایی که از طرف مقامات و کارگزاران و نمایندگان زن مجلس اسلامی، مثلاً هنگام جداسازی مدارس ابتدایی در روستاها مکرر صورت گرفته است و برخی از فمینیست های اسلامی هم در شرق و هم در غرب به بهانه عقب ماندگی جوامع و به عنوان راه حلی برای برون رفت زنان از محدودیت های این جوامع آن را تأیید می کنند. اما جداسازی چنان که گفته شد به مراتب کاری تر از سایر قوانین تبعیض آمیز به موقعیت زنان ضربه می زند.

در هفته ای که گذشت بر فراز هیاهوی سیاسی-انتخاباتی در جمهوری اسلامی و رسانه های قانونی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی بازیگر اصلی کاست روحانیت حاکم، صحنه گردان بود. او که قرار است چون همیشه در تلاطم سیاسی موجود میان حکومتیان، نقش تعدیل کننده، تصفیه کننده و سازمانگر را ایفا کند، به محور تاخت و تاز مخالفین قرار گرفته است. او در مصاحبه با روزنامه «همشهری» (۱۹ و ۲۰ دی ماه) آب پاک روی خود ریخته و کوشید نه فقط دامن خود را از سیاه کاری ها و آلودگی های بیست ساله حکومت اسلامی کنار کشیده و پاک نگهدارد، بلکه خود را ناجی، مصلح و قهرمان سازندگی و آزادی خواهی قلمداد کند! هم از این روی رقبا که او را عملاً پرچم دار ریاکار منافع جناح تمامیت خواه و نیروی محافظه کار اصلاح طلبی می بینند، چشمه هائی از او رو کرده و کوشیدند اندکی آستین ردای این ناجی قلابی را کنار زنند تا دست های آلوده اش را در تماسی این بیست سال سیاه تا آن جا که کل نظام مقدس جمهوری اسلامی لطمه ای نبینند، در معرض دید همگان قرار دهند! نقطه ای اوج این افشاگری ها مقاله ای بود از اکبر گنجی در پاره ای او تحت عنوان «عالیجناب سرخ پوش» (صبح امروز ۲۹ دی ماه ۷۸) و این خود موجب شد تا ملاعلی اکبر هاشمی رفسنجانی نقش تعدیل کننده خود را فراموش کرده و در نماز جمعه اول بهمن تهران، علیه همه چیز و همه کس شمشیر خود را از رو ببندد و سیمای بشدت ارتجاعی، ضد مردمی و ضد آزادی خواهی خود را آفتابی تر از آن چه بود و مینمرد کند.

او که در جریان انقلاب بهمن و البته پیش از آن دستیار خمینی بود و بعنوان سخن گوی او وظیفه ای معرفی دولت بازرگان را بجای بختیار داشت، از همان روزهای اول انقلاب و در جریان شکل گیری آن

زیرا قوانین دسته اول اگرچه در درازمدت به بدتر شدن شرایط زیست اجتماعی زنان منجر می شود، اما از آن جا که بر زورگویی و اختناق عریان استوار است در شرایط امروز جهان بلافاصله با مقاومت قشرهایی از زنان روبرو شده و رشد آگاهی اجتماعی زنان را در واکنش به این زورگویی دامن می زند. چنان که موانع قانونی در راه اشتغال، تحصیل و حقوق فردی در جمهوری اسلامی از همان آغاز با واکنش منفی و تقابل بخش هایی از زنان

تولید می‌کند. زنانی که محکوم به زینت در محیط "زنانه"ای باشند که خود محصول تبعیض جنسی هزاران ساله است، در مقیاس وسیع یعنی صرفنظر از استثناءها مجبور می‌شوند مهارت‌ها و تخصص ضعیف‌تر، کارکرد ضعیف‌تر و حتی انگیزه‌های ضعیف و خصوصیات فردی متناسب با این موقعیت‌های ضعیف را داشته باشند.

زندگی واقعی این حقیقت را چنان روشن و دردناک در مقابل دختران دانشجوی دانشگاه پزشکی فاطمیه قم نهاده است که آگاهی نظری و ایدئولوژیک هرگز نمی‌تواند با آن به رقابت برخیزد. آن‌ها باید فقط استاد زن داشته باشند، اما تبعیض و نابرابری جنسی تاریخی در ایران آن‌ها را از وجود تعداد مکی استاد محروم می‌کند. آن‌ها از امکانات و وسایل و دستگاه‌ها که در دانشگاه‌های بزرگ وجود دارد و خود نسبت به پیشرفت‌های کنونی جهانی محدود و نارساست هم محروم هستند، زیرا مجبورشان کرده‌اند در محیط جدا شده و منزوی که زنانه نگاه داشته شده تحصیل کنند. آن‌ها می‌گویند حتی دانشجویان متخصص قلب و عروق یا گوش و حلق و بینی این دانشگاه تا به حال با بیماران مرد مواجه نشده‌اند. بنابراین آن‌ها از تنها امتیازی که دانشگاه‌های ایران نسبت به خارج دارند یعنی فراوانی بیمار که به دانشجو امکان تجربه‌ی گسترده در حین تحصیل را می‌دهد هم محروم هستند. اما در عوض آن‌ها زیر بمباران ایدئولوژیک و تلقینات مذهبی هستند که در ذات خود با علم در تناقض است. علم تنها در جایی قادر به خودنمایی است که در استقلال از سیاست و ایدئولوژی بتواند گذشته و سپس پیش‌دوری‌های نادرست آن را به چالش بطلد.

بنابراین دختران دانشگاه پزشکی فاطمیه قم به تجربه‌ی ملموس زندگی خود و نه فقط به کمک دانش نظری درمی‌یابند که آپارتاید جنسی و جداسازی عملاً در خدمت تولید پزشکان ناکارآ و کهنه برای جنس کهنه است. و حالا آن‌ها به مقابله با شرایط آموزش تبعیض‌آمیزی برخاسته‌اند که حاکمیت اسلامی بر آن‌ها تحمیل کرده است. و این طنز تاریخ است. حاکمیت اسلامی درست از درون آشیانه‌های امنی که برای به چالش طلبیدن زمان و جبر تاریخ ساخته بود به چالش فراخوانده می‌شود. بیاد داشته باشیم که دانشگاه پزشکی فاطمیه یک دانشگاه دولتی و زیرنظر وزارت آموزش عالی نیست. روحانیون جناح راست به ابتکار مهدوی‌کنی برای این‌که از هر نوع مداخله و دردمس راحت باشند آن‌را بصورت یک "دانشگاه غیرانتفاعی" تأسیس کرده‌اند. از ابتدا تنها از دختران گزینش کرده‌اند و دانشگاه "زنانه" ایجاد کرده‌اند. هنگام گزینش علاوه بر امتحانات متداول، "امتحان دینی" گرفته‌اند. اما هیچ‌یک از این‌ها زنان و زندگی را متوقف نکرده است و نمی‌کند. نه دختران دانشجو حاضرند بپذیرند که پزشکی نانوایان برای "جنس دوم" باشند، نه علم می‌تواند در برابر خرافات سر تسلیم فرود آورد. اما اقدام شجاعانه و بر حق دانشجویان فاطمیه نیاز به حمایت دارد، زنان فمینیست، آزادی‌خواهان و سوسیالیست‌ها در رابطه با این دانشجویان یک وظیفه جدی در مقابل خود دارند.

لوچه‌اش را بلیسد! او مکارانه در سایه می‌ماند تا به وجودش نیاز افتد و به موقع چون بازیگر ماهر وارد صحنه و کارزار سیاسی شود. در جریان اوج‌گیری اعتراضات علیه قتل‌های زنجیره‌ای و کشیده شدن پای او و رهبر "معظم" انقلاب و سایر یاران به عنوان آفرین قتل‌ها، از اندرونی بیرون آمد تا از حکومتیان بخواهد فتیله‌ها را پائین بکشند. در جریان جنبش پس از ۷۸ تا ۱۸ تیر به قول خودش به دنبال چند روز مذاکرات "سازنده" و پشت پرده با اربابان نظام اسلامی می‌آید تا "عمود خیمه انقلاب اسلامی" بیش از آن‌چه خم شده است، خم نشود! و امروز هم باز به قول خودش بدنبال مذاکرات فراوان با "مقام معظم رهبری"، ریاست جمهوری و رهبران دلسوز نظام و آیات عظام و حج اسلام برای پایان دادن به غوغاسالاری و هرج و مرج به میدان کارزار انتخاباتی آمده است.

او دوباره آفتابی شده است تا هم چون وزنه‌ای متعادل‌کننده به صحنه بیاید و فتیله‌ها را پائین بکشد! زیرا صحنه سیاسی ایران در چند ماهه گذشته-بیش از هر زمان دیگر- نمایش‌گر کارزار جناح‌های حکومتی علیه هم‌دیگر و اوج‌گیری شکاف‌های دم‌افزون درون حاکمیت و درون جناح‌هاست. در بالا انشعاب‌ها و ائتلاف‌های شکننده کمر حکومت را شکسته است و در پائین بی‌زاری عمومی مزد و حقوق‌بگیران، زنان، جوانان، خلاصه اکثریت مردم، نه فقط خود را در جنبش ۱۸ تیرماه دانشجویان نشان داد، که در اعتصابات و گردهم‌آیی‌های همه روزه‌ی کارگران، شورش‌های ساکنین محلات تهیدست‌نشین، تظاهرات و تحصن‌های دانشجویان و مقاومت جوانان در مقابل امر و نهی بسیجیان و نافرمانی مدنی توده‌ای تداوم می‌بخشد.

انشعاب‌های متعدد درون جناح‌ها، صف‌بندی‌های جدید و آرایش دو باره خرده‌جناح‌ها در مقابل هم و در مقابل مردم نمودی تازه یافته است. همه‌ی دست‌اندرکاران حکومت و حواشی آن با همه‌ی سازویرگ به میدان آمده‌اند تا جلوی سقراط نظام را با اجرا و تثبیت پلان‌فرم‌های خود بگیرند. کودتاهای ریز و درشت قانونی جناح مسلط علیه جناح رقیب، مماشات و سازش‌ها و نوسانات سازش‌کارانه و بندوبست محمدخاتمی و پیرامونیان نزدیک به او و سرانجام انشعاب‌ها و صف‌بندی‌های جدید گرایش‌ها موسوم به دوم خرداد و جداسازی تندروان آن و بی‌اعتباری روزافزون شخص ریاست جمهوری و شکست پلان‌فرم او، بحران حکومتی را در آستانه انتخابات مجلس ششم که به عبارتی روشن‌تر، بیان نبرد میان راه‌حل‌های اداره حکومت اسلامی و بقای آن است، به اوج خود رسانده است.

در میان هیاهو و گیرودار و بست‌و‌بند و بگیر و ببند، پیکر بهم تنیده نظام، چون تسیبچی پاره شده و دانه‌های آشفته و برآشفته آن جدا جدا و غلطان غلطان هر یک به گوشه‌ای و کوره راهی

روانند و نظام وارفته به تنگی نفس دچار شده و اسیر راه‌حل‌های متفاوت و گاه متناقض است.

در چنین شرایطی ملامعلی اکبر هاشمی، سرمایه‌دار بزرگ رفسنجان به میدان آمده است تا دانه‌ها را جمع کند، تصفیه‌شان کند، شکسته‌ها و بی‌فایده‌ها و تندروهای نظام را به دور بریزد و دوباره، همه را به نخ کند. از همین رو او می‌کوشد پایه‌های ناسازگار جناح‌ها را کنار بزند و از طریق ایجاد اختلاف، صف‌بندی‌های سابق‌شان را دچار انشعاب کند و نیروهای وفادار و خودی‌های واقعی را به هم بسته و پایدار کند و هم‌چون آن شخص که به عنوان قاضی گردو را شکست، نصف پوست را به مدعی اول و نیمه پوست دیگر را به مدعی دوم داد و خود همه مغز گردو را خورد، با تأمین اقتدار خود، کار خراب نظام را به سامان برساند!

اما اگر او خود را به خواب خرگوشی می‌زند، و بسیاری از غیرخودی‌ها با آویزان شدن به قبا‌ی مندرس خودی‌ها به امید جمهوری اسلامی بهتر، سینه می‌زنند، حقیقت در مسیر دیگری جریان دارد. بادهای ناموافق چنان توفانی را در افق پدیدار کرده است که ملامعلی اکبر سرمایه‌دار قادر نیست از عمامه‌ی خود ترفندی تازه رو کند و کشتی شکسته رژیم سیاه جمهوری اسلامی ایران را از غرق شدن حتمی نجات دهد.

مقاومت در برابر

بسیجیان بالا می‌گیرد!

پس از بازگشت خاتمی از شهرستان میناب، یک گروه گشت پایگاه بسیج <شهید عبدالصمدی> متشکل از ۸ نفر از بسیجیان و ضابطان امر به معروف و نهی از منکر به یکی از محلات شهرستان میناب اعزام شدند تا از تجمع جوانان محل جلوگیری کنند. این گروه بسیجی پس از حمله به جوانان با مقاومت آن‌ها روبرو شدند. در جریان این درگیری یک بسیجی بنام علی فیروزی (۱۸ساله) مورد اصابت سنگ قرار گرفت و پس از مجروح شدن با ضربات چاقو به قتل رسید. روزنامه کیهان که در روز یکشنبه ۳ بهمن ماه این خبر را منتشر کرد نوشت: «پس از تحقیقات و بررسی نیروهای بسیجی و اطلاعاتی قاتل به نام «م-ر» ظرف مدت ۲۴ ساعت دستگیر و تحویل مقامات قضائی می‌شود» و سپس با ابراز نگرانی از رشد مقاومت در مقابل بسیجیان متجاوز و تاسف از عدم اعدام مرتضی امینی مقدم می‌نویسد: «متأسفانه پس از بخشیدن قاتل شهید بسیجی <هادی محبی> به وسیله پدر بزرگوار <محبی>، اوباشان و ولگردان درس عبرت نگرفتند و طی روزهای گذشته جری‌تر شده و پس از کارهای خلاف و غیرانسانی، به آمرین به معروف حمله می‌کنند و آنان را مجروح و به شهادت می‌رسانند که لازم است تا دستگاه قضائی کشور در این رابطه اقدامات قانونی انجام دهند».

تظاهرات ۲۲ ژانویه در استکهلم-سوئد

به دعوت اتحاد چپ کارگری- واحد استکهلم برای محکومیت صدور حکم اعدام اکبر محمدی فعال جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ که بعد از ماه‌ها شکنجه و آزار در سطح نشریات داخل انتشار یافت، روز شنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۰ در هوای ۱۰ درجه زیر صفر استکهلم، تظاهراتی در میدان مرکزی شهر برپا گردید. در این تظاهرات نماینده سازمان جوانان چپ سوئد سخنرانی کرد و ضمن دفاع از مبارزات دانشجویان، سرکوب، دستگیری، شکنجه و زندانی شدن آنان را محکوم کرد و خواهان آزادی تمامی زندانیان گردید. از دیگر سخنرانان این حرکت آقای مهرداد درویش‌پور بود که در همبستگی با مبارزات دانشجویان ایران و محکومیت صدور حکم اعدام، برای حاضرین صحبت کرد. رادیو همبستگی و رادیو رنگارنگ برای دعوت و بسیج مردم به این حرکت اعتراضی به طور اختصاصی، بخش مهمی از برنامه‌های خود را در اختیار فعالین اتحاد چپ کارگری واحد استکهلم گذاشتند.

در حرکت اعتراضی روز شنبه ۲۲ ژانویه صدها تن از آزادی‌خواهان ایرانی مقیم استکهلم، همراه با فعالین حزب چپ سوئد، حزب سنتر سوئد، اتحادیه دانشجویی دانشگاه استکهلم، سندیکالیست‌ها، جبهه ملی ایران-استکهلم، مشروطه‌خواهان ایرانی-استکهلم، انجمن همبستگی، کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران، فعالین آوای زن، فعالین منفرد چپ شرکت کرده بودند.

آکسیون اعتراضی شنبه‌ها در کولتنبورگ-سوئد

در روز شنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۰ به دعوت کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران-کولتنبورگ (سوئد) تظاهراتی در محل برلنس پارکن میدان مرکزی شهر برگزار گردید. تظاهرکنندگان در هوای سرد و یخبندان و با سردادن شعارهایی همچون «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «صدور حکم اعدام اکبر محمدی ملغی باید گردد»، «احمد

باطبی دانشجویی فعال زندانی آزاد باید گردد»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» به فارسی و سوئدی، عابرین را متوجه جنایات، دستگیری، ترور و اعدام در ایران می‌کردند. فعالین کمیته ضمن پخش تراکت‌های تبلیغی، مفاد قطعنامه‌ای خود را که علیه احکام صادره، دستگیری‌ها، آزادی زندانیان سیاسی، اعزام یک هیات بین‌المللی برای تحقیق پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای، محاکمه سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت است، بشکل طوماری به امضاء عابرین می‌رساندند. حضور مستمر و هفتگی ایرانیان به دعوت کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران-کولتنبورگ برای افشاء احکام اعدام‌ها و محکومیت آن، نظر بسیاری از گروه‌ها، احزاب، سازمان‌های سوئدی را به این مهم جلب نموده است که در همراهی و پشتیبانی با ما اقدام کنند.

تظاهرات علیه سفر کمال خرازی به انگلستان

کمال خرازی روز دوشنبه دهم ژانویه جهت دیدار با مقامات انگلیسی و رؤسای کمپانی‌ها و شرکت‌های تجاری وارد لندن شد. مخالفت و تظاهرات گسترده نیروهای چپ علیه این دیدار و حضور مداوم آنان در مکان‌هایی که وزیر امور خارجه رژیم در آن‌جا حضور می‌یافت، باعث تدارک و اقدامات شدید پلیسی و امنیتی دولت انگلیس حول این دیدار گشت. در جریان مذاکرات او و وزیر خارجه انگلیس بنا به اعتراف یکی از خبرنگاران بی‌بی‌سی شعارهای تظاهرکنندگان در تمامی ساختمان محل مذاکره پیچیده و هنگام مذاکرات خبرنگاران خارجی بکرات از خرازی پیرامون این تظاهرات و خواست‌های تظاهرکنندگان سؤال نمودند که رابین کوک در پاسخ اعلام کرده بود که مسئله حقوق بشر یکی از موضوعات مورد مذاکره خواهد بود.

نیروهای شرکت‌کننده در این تظاهرات عبارت بودند از: حزب کمونیست کارگری، چریک‌های فدایی خلق، اتحادیه کمونیست‌های ایران، جبهه دموکراتیک ضدامپریالیستی ایرانیان مقیم بریتانیا، تعدادی از منفردین و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در لندن بودند.

اعتراض سراسری کارگران علیه سازمان تأمین اجتماعی

با وجود مخالفت وزارت کشور با برپایی تجمع اعتراضی کارگران در برابر دفاتر سازمان تأمین اجتماعی، و تبعیت کانون‌های شوراهای اسلامی کار از تصمیم وزارت کشور؛ یک‌شنبه ۲۸ آذر ۷۸، کارگران در اکثر استان‌ها و شهرها، با تجمع در مقابل خانه کارگر خشم و اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست‌ها و عمل‌کرد سازمان تأمین اجتماعی ابراز داشتند. در تهران، علی‌رغم تلاش اعضای کانون‌های شوراهای اسلامی کار استان تهران برای پراکندن کارگران و جلوگیری از تجمع آنان، و دخالت و درگیری نیروی انتظامی، کارگران متعرض در مقابل شعبه ۱۳ تأمین اجتماعی در خیابان آزادی تجمع کردند. در اهواز هزاران تن از کارگران و بازنشسته‌گان استان خوزستان، با تجمع در مقابل تشکیلات خانه کارگر، به قطع مقرری بیمه‌ی کاری کارگران قراردادی و فصلی، مخالفت سازمان تأمین اجتماعی با تصویب طرح بازنشستگی پیش از موعد کارگران مشاغل سخت و زیان‌آور، واگذاری بیمارستان‌های سازمان به بخش خصوصی، کاهش شدید خدمات درمانی و حذف ۲۷ قلم دارو از لیست تعهدات سازمان تأمین اجتماعی اعتراض کردند و خواستار افزایش حقوق بازنشسته‌گان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی متناسب با نرخ تورم شدند. در استان‌های هرمزگان، بوشهر، مازندران، گلستان و زنجان و در شهرهای ارومیه، تبریز، مشهد، قزوین، همدان، رشت و کرمان نیز هزاران تن از کارگران در مقابل دفاتر خانه کارگر و یا سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند.

مرگ ۳ کارگر در اثر انفجار دیگ بخار

اواخر آذرماه گذشته، در اثر انفجار دیگ بخار آب در کارخانه فیبرسازی بابلسر، سه نفر از کارگران کشته و یک نفر به شدت مجروح شد. علت انفجار دیگ، ازدیاد فشار ناشی از تجمع بخار و عمل نکردن سوپاپ اطمینان دیگ بوده است. و در نتیجه‌ی انفجار دیگ بخار، ترکش‌های اسید سولفوریک به اطراف و به سر و صورت چهار کارگر این کارخانه که مشغول کار بودند، پاشیده شده و آن‌ها را به شدت مجروح کرده است که سه نفر از آنان جان خود را از دست دادند.

تجمع اعتراضی کارگران خانه‌سازی اهواز

یک‌شنبه ۲۸ آذر ۷۸ (۲۹ دسامبر ۹۹)، ۱۵۰ نفر از کارگران خانه‌سازی اهواز با تجمع در مقابل کارخانه، به حکم شعبه ۱۵ دادگاه عمومی اهواز مبنی بر پلمپ کردن کارخانه، اعتراض نمودند. صاحب این کارخانه که چند سال پیش کارخانه را به صورت قطعی خریداری کرده بود، پس از تحویل کارخانه، ۹ ماه از پرداخت حقوق کارگران ظفره رفته بود. وی که عبدالله مرعشی نام دارد، پس از به حراج گذاشتن ماشین آلات کارخانه، و به دلیل سوءاستفاده از وجوه ۴۰۰۰ عضو شرکت‌های هیجده‌گانه تعاون مسکن در اهواز، دستگیر و روانه زندان شد. او که روزها آزاد و شب‌ها در زندان است، روز ۲۵ آذر به کارخانه آمده و اعلام نمود که کارخانه متعلق به اوست و تا هفته آینده آن را پلمپ خواهد کرد و روز یک‌شنبه ۲۸ آذر با حکم قضایی و همراه با مأموران انتظامی به کارخانه آمده و تصمیم‌اش را عملی خواهد کرد.

عدم پرداخت دست‌مزد کارگران گروه صنایع فلزی

گروه صنایع فلزی تولیدکننده‌ی مصنوعات و سازه‌های فلزی، مرکب از سه واحد تولیدی به نام‌های شرکت مصنوعات زرین، شرکت سازه‌های سنگین تهران و شرکت سازه‌های سنگین مازندران، با بیش از ۱۳۰۰ کارگر است. میزان تولید ماهانه‌ی گروه صنایع فلزی از ۲۰۰۰ تن سازه‌های فلزی در سال ۷۶، به ۶۵۰ تا ۷۰۰ تن رسیده است و هم‌اکنون این گروه بزرگ صنعتی در آستانه‌ی تعطیلی است و کارگران آن با مشکلات متعددی مواجه‌اند. از جمله آن‌که، کارگران شرکت سازه‌های سنگین مازندران ۴ ماه است که حقوق نگرفته‌اند. گفتنی است نزدیک به ۴۵ درصد از سهام این گروه صنعتی در سال ۱۳۷۴ از طریق سازمان گسترش و نوسازی در اختیار شرکت سرمایه‌گذاری شاهد وابسته به بنیاد شهید قرار گرفت. هم‌چنین ۳۲ درصد سهام این گروه متعلق به کارگران، ۴ درصد در اختیار سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی، ۶ درصد متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری ملی و باقی سهام نیز در اختیار سایر سهام‌داران می‌باشد.

کارگران و زحمت کشان

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان

دوشنبه ۲۷ دی ۷۸ (۱۷ ژانویه ۲۰۰۰)، گروهی از کارگران پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان پالایشگاه به وضعیت حقوقی و رفاهی شان، در مقابل ساختمان عملیاتی پالایشگاه و نقل و انتقالات مواد نفتی این واحد، دست به تجمع زدند. کارگران می گویند وضع منازل کارگری شرکت نفت بسیار نامناسب است و علی رغم شکایت های متعدد به مسئولان، هیچ گونه پی گیری جهت تعمیر و نگه داری این منازل صورت نگرفته است.

اعتراض کارگران پالایشگاه اراک

۴۰ نفر از کارگران قراردادی و پیمان کاری پالایشگاه اراک، با انتشار نامه ای خطاب به خاتمی در آخرین روزهای آذرماه گذشته، به شرایط برده وار کار و بی حقوقی مطلق خود اعتراض کردند. این کارگران که ۵ تا ۱۲ سال سابقه کار دارند، در نامه ای خود نوشتند که با واگذاری امور به پیمان کاران خصوصی، از مزایایی چون بدی آب و هوا، دوری راه و غیره محروم شده اند. و اکنون پیمان کاران بی توجه به سابقه ای کار، با هر یک از آنان با حداقل پایه حقوق قرارداد می بندند. کارگران در ادامه ای نامه ای خود، نسبت به اعمال تبعیض میان کارگران قراردادی و رسمی اعتراض کرده و گفتند که در صورت مریض شدن کارگران قراردادی و مراجعی آنان به بهداری پالایشگاه، باید وجه ویزیت را به صورت خصوصی بپردازند. آنان در ادامه افزودند که مسئولان پالایشگاه در برابر اعتراض های به حق آنان، آشکارا اعلام کرده اند که کارگران قراردادی هیچ حق و حقوقی ندارند و رسیدگی به مسایل آنان در حوزه مسئولیت شان نیست، و کارگران را تهدید به اخراج کرده اند. این کارگران در پایان نامه ای خود، خواستار اعزام بازرسانی برای بررسی وضعیت خود و رسیدگی به مشکلات شان شدند.

اعتراض کارگران سپنتا

بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت سپنتا در اهواز، صبح روز یکشنبه ۲۶ دی ۷۸ (۱۶ ژانویه ۲۰۰۰)، به پایبندی نبودن

دست مزدشان اعتراض کردند. آنان خواهان افزایش دست مزد، افزایش حق مسکن، پرداخت حق محرومیت از تسهیلات، پرداخت وام عادی کارخانه، حل مشکل سرویس کارخانه و وضعیت غذا در کارخانه شدند.

اعتصاب کارگران کشت و صنعت لرستان

کارگران کشت و صنعت لرستان در اعتراض به عملکرد مسئولان این شرکت و عدم پرداخت حقوق کارگران در روزهای شنبه ۲۵، یکشنبه ۲۶ و دو شنبه ۲۷ دی ماه ۷۸ دست از کار کشیدند. کارگران می گویند مسئولان این شرکت، واحدهای مختلف این کارخانه را به پیمان کاران بخش خصوصی و بویژه وابستگان خود داده اند و سود شرکت را خود به جیب می زنند. این در حالی است که کارگران این مجتمع مدت هاست از کار بیکار شده اند. کارگران همچنین می گویند که مسئولان شرکت افراد متعددی را با هزینه شرکت به خارج از کشور فرستاده اند در حالی که کارگران از حداقل حقوق و مزایا بی بهره اند. در روز دوشنبه ۲۷ دی ماه مدیرکل کار و امور اجتماعی لرستان با حضور در جمع کارگران، آنان را به ادامه کار دعوت کرد اما کارگران اعتصابی از رفتن به محل کار خودداری کردند.

تجمع اعتراضی کارگران سوله سازی لرستان

سه شنبه ۷ دی ۷۸ (۲۸ دسامبر ۱۹۹۹)، جمعی از کارگران کارخانه سوله سازی لرستان واقع در شهرستان دورود با تجمع در مقابل فرمانداری این شهرستان، خواستار پرداخت حقوق معوقه ای خود شدند. کارگران این کارخانه حقوق آبان و آذر امسال را دریافت نکرده اند.

اجتماع اعتراضی کارگران ملیپران

روز دوشنبه ۱۳ دی ۷۸ (۳ ژانویه ۲۰۰۰)، ۲۷۰ نفر از کارگران کارخانه ملیپران با تجمع در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی، به عدم پرداخت حقوق معوقه ای خود اعتراض کردند. حقوق کارگران این کارخانه که در سال ۷۲ به بخش خصوصی واگذار شده، یک سال و نیم است که پرداخت نشده است. سهام دار عمده این کارخانه که ۶۷ درصد سهام آن را در اختیار دارد، در سال ۷۷ اقدام به بازخرید اجباری ۱۲۰ نفر از

درهای پیش ساخته چوبی واقع در شهر صنعتی کاوه، در چند سال گذشته همزمان با واگذاری آن به بخش خصوصی، همواره با مشکلات کارگری مواجه بوده است.

تجمع و درگیری کارگران با مدیران کارخانه "نقش ایران"

روز جمعه ۲۴ دی ۷۸ (۱۴ ژانویه ۲۰۰۰)، در پی اختلاف شدید بین مدیریت کارخانه "نقش ایران" و شورای اسلامی کار این کارخانه، رئیس شورا توسط مأموران بازداشت شد. به دنبال این اقدام، کارگران که ماه هاست به دلیل تعطیلی کارخانه، سرگردان و بلاتکلیف اند و حقوق شان پرداخت نشده است؛ در محوطه ای کارخانه دست به تجمع زدند و سپس وارد اتاق مدیر کارخانه شده و با او به زد و خورد پرداختند. کارخانه نقش ایران، تولید کننده فرش ماشینی، واقع در شهر صنعتی البرز قزوین، با ۸۰۰ نفر کارگر، تحت پوشش بنیاد ۱۵ خرداد قرار دارد و به سبب نداشتن مواد اولیه و کمبود نقدینگی تعطیل شده است.

کارگران جاده رشت - قزوین را بستند

کارگران شرکت کفش گنجه واقع در ده کیلومتری رودبار، در روز دوشنبه ۲۰ دی ماه ۷۸ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماه های آبان و آذر خود، با نشست در وسط جاده، عبور و مرور میان رشت و قزوین را متوقف کردند. کارگران ابتدا در مقابل درب کارخانه گردهم آمدند و سپس به مسدود کردن جاده پرداختند. این حرکت اعتراضی زمانی پایان یافت که اعضای شورای تأمین شهرستان رودبار به میان تظاهرکنندگان رفتند و به آن ها قول رسیدگی به درخواست هایشان دادند.

اعتراض کارگران کارخانه کفش آزادگان

کارگران کارخانه کفش آزادگان قزوین صبح روز چهارشنبه ۲۲ دی ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۱۰ ماه گذشته خود در مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. کارگران در گردهم آیی اعتراضی خود از مسئولین خواهان رسیدگی به درخواست های شان شدند. کارگران همچنین خبر دادند که مدیریت کارخانه قصد دارد با تعطیل کردن این واحد تولیدی، کارگران را اخراج کند.

کارگران کرد و ۲۷۰ نفر باقی مانده نیز از آن هنگام تاکنون حقوقی دریافت نکرده اند. هم چنین به دلیل عدم پرداخت سهم بیمه از سوی کارفرما، مدت سه سال است که کارگران این کارخانه از خدمات بیمه ای محروم شده اند. گفتنی است ۳۳ درصد سهام ملیپران متعلق به کارگران است.

تجمع اعتراضی کارگران فراسا

۱۵۰ نفر از کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی فراسا واقع در شهرستان ساوجبلاغ که تحت پوشش بانک صنعت و معدن قرار دارد، صبح روز سه شنبه ۲۱ دی ۷۸ (۱۱ ژانویه ۲۰۰۰) در مقابل شعبه مرکزی این بانک در تهران تجمع کردند و تا مقارن ظهر به تجمع خود ادامه دادند. این کارگران که طی سه ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده اند، خواهان دریافت حقوق و مطالبات معوقه خود شدند. این چندمین حرکت اعتراضی کارگران این شرکت در سال جاری است. گفتنی است تعداد دیگری از کارخانه های تحت پوشش بانک صنعت و معدن، وضعیتی مشابه شرکت فراسا دارند و پیش از این، کارگران آن ها به طور پراکنده به این بانک مراجعه کرده و خواستار دریافت مطالبات خود شده اند.

بافندگی عطائیه در آستانه ورشکستگی

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی عطائیه ساوه، از ۴ ماه پیش تاکنون حقوق دریافت نکرده اند. این کارخانه که وابسته به بانک و صنعت و معدن است، به دلیل مشکلات مالی در شرف ورشکستگی است و قرار است به بخش خصوصی واگذار شود. مسئولان کارخانه تنها راه حل مشکل کارگران را بازخرید شدنشان اعلام کرده اند. کارگران این کارخانه در آذرماه گذشته، با تجمع در مقابل اداره کار و امور اجتماعی ساوه، خواستار پرداخت حقوق معوقه ای خود شدند. کارخانه عطائیه ۲۴۰ نفر کارگر دارد.

گردهم آیی اعتراضی کارگران چوب و صنعت ساوه

بیش از ۴۰ نفر از کارگران کارخانه چوب و صنعت ساوه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق هفت ماه گذشته خود، در روز سه شنبه ۲۸ دی ۷۸ (۱۸ ژانویه ۲۰۰۰) در مقابل فرمانداری این شهر اجتماع کردند. کارخانه چوب و صنعت ساوه تولید کننده ای